

برخلاف فضا‌سازی رسانه‌ای آمریکا و اسرائیل تناقضی در مواجهه‌شان با ایران ندارند

دراوج هماهنگی



دقیقانی مانده به شروع دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا، رویترز گزارشی از دیدار عضو ارشد مذاکره‌کننده آمریکا با رئیس موساد در رم منتشر کرد. خبری که با فرض صحت، نشان می‌داد طرف آمریکایی تلاش دارد این طور القا کند که آنچه در میز مذاکره با ایران در جریان است، در هماهنگی کامل با اسرائیلی‌ها قرار دارد و تناقضی در مواضع آن‌ها در مورد پرونده ایران وجود ندارد، اما در واقعیت آن‌ها تنها این هماهنگی را علنی‌تر در گزارش‌های رسانه‌ای مطرح کردند. پیش از این هم تردیدی در مورد هماهنگ بودن موضع آمریکایی‌ها با اسرائیلی‌ها در مورد ایران وجود نداشت و خبری از تناقض میان منافع آمریکایی‌ها با اسرائیلی‌ها در پرونده هسته‌ای ایران نبود. تنها تفاوت آن این است که صهیونیست‌ها در قبال ایران، قائل به برخوردی حداکثری هستند اما آمریکایی‌ها این مواجهه را با استفاده از ابزار مذاکره پیش می‌برند. در کنار همین موضع، اظهار نظر ترامپ در مورد اینکه حمله‌ای به ایران نخواهد کرد اما جلوی اسرائیلی‌ها را هم برای تعرض به ایران نخواهد گرفت، این گزاره را اثبات می‌کرد که فاصله‌ای میان مواضع آمریکا و اسرائیل در مورد ایران وجود ندارد، تنها آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که هزینه مواجهه با ایران را تا حد ممکن کاهش دهند.

از کدام دوقطبی حرف می‌زنید؟

ترامپ خبر شروع مذاکرات با ایرانی‌ها را در جلسه‌اش با نتانیاهو مطرح کرد. علاقه زیاد او به انجام کارهای غیرقابل پیش‌بینی و ایجاد موج رسانه‌ای، باعث شد او تعدماً در این جلسه ادهایش در مورد مذاکره مستقیم با ایران را مقابل نتانیاهو مطرح کند. غافلگیر شدن نتانیاهو در این جلسه این گمانه را به وجود آورد که در مورد شروع مذاکرات با آمریکایی‌ها، اختلاف‌نظرهایی میان اسرائیل و آمریکا وجود دارد. نتانیاهو اما بلافاصله این طور به اظهارات ترامپ واکنش نشان داد و گفت مذاکره مطلوب با ایران، مدل لیبی است. این اظهارات و پاسخ نتانیاهو چند احتمال را تقویت می‌کرد. یک احتمال این بود که آمریکا و اسرائیل در مورد مذاکره با ایران اختلاف‌نظر دارند و نتانیاهو هم دیگر راهی برای پذیرش این موضوع نداشته و طرح لیبی‌سازی ایران را مطرح کرده است. احتمال دیگر که چندان دور از ذهن نبود هم این بود که آمریکا و اسرائیل در پرونده ایران و مدل مذاکره اتفاق‌نظر داشتند و تنها تقسیم‌کاری برای مطرح کردن این مواضع میان آن‌ها صورت گرفته است. ادعاهایی که مقامات آمریکایی در اظهارات رسانه‌ای در مورد تعطیل شدن غنی‌سازی ایران که همان طرح لیبی‌سازی ایران بود مطرح می‌کردند، احتمال دوم را تقویت کرد. امری که نشان می‌داد از ابتدا نیز تناقضی در مواضع آمریکایی‌ها و اسرائیل در مورد ایران وجود نداشته است.

فضاسازی رسانه‌ای پیش از دور پنجم

هم‌زمان با شروع دور پنجم مذاکراتی ایران، رسانه‌های آمریکایی اخباری در مورد حضور وزیر راهبردی اسرائیل و رئیس موساد در رم محل گفت‌وگوهای مذاکراتی آمریکایی‌ها منتشر کردند. موضوعی که این احتمال را تقویت کرد که اسرائیلی‌ها در جریان مذاکرات ایران و آمریکا، نفوذ دارند و مذاکرات با



هماهنگی صهیونیست‌ها در جریان است. اما واقعیت ماجرا این بود که از ابتدا هم قرار بر این نبود که مسیری متفاوت از آنچه تاکنون در مورد ایران پیش رفته از سوی آمریکایی‌ها اتفاق بیفتد. بعد از پایان هر چهار دور مذاکراتی ایران و آمریکا، اخباری در مورد در جریان گذاشتن محتوای مذاکرات ایران و آمریکا به صهیونیست‌ها منتشر شد. آخرین بار و در جریان سفر ویتکاف به اسرائیل برای مذاکره در مورد مذاکرات با حماس گفته می‌شد طرف آمریکایی، رژیم صهیونیستی را در جریان مذاکراتش با ایرانی‌ها قرار داده بود. حالا اما با فرض آنکه آنچه در رسانه‌ها در مورد دیدار ویتکاف و تیم اسرائیلی مطرح می‌شود، واقعیت داشته باشد هم به نظر می‌رسد با هدف اثرگذاری روانی در میز مذاکره و افکار عمومی ایران مطرح شده است. در حقیقت آمریکایی‌ها هیچ زمان بدون آنکه نیروی نیابتی خود را در جریان مذاکراتشان با ایران قرار دهند، پای میز مذاکره حاضر نشدند و ارانه این تحلیل که میان آمریکا و اسرائیل در مورد ایران دوقطبی وجود دارد، ارتباطی با واقعیت ندارد. ممکن است آن‌ها در راهبردهای به کار برده شده در موضوعات مختلف اختلاف‌نظرهایی داشته باشند، اما منافع و تهدیدهای آن‌ها در مورد ایران و تحولات منطقه در یک مسیر قرار دارد و تناقض ماهوی و جدی در این مورد وجود نداشته است.

تناقض خیالی بین آمریکا و اسرائیل

هم‌زمان با شروع مذاکرات، ترامپ و تیم امنیت ملی آمریکا دوگانه تهدید-مذاکره را مطرح می‌کردند. ترامپ مدام این تهدید را مطرح می‌کرد که اگر ایران حاضر

به مذاکره با آمریکا نشود، گزینه نظامی روی میز قرار دارد. اما هم‌زمان با اینکه رسانه‌های آمریکایی گمانه‌زنی‌هایی در مورد مذاکرات مستقیم آمریکا با ایران مطرح می‌کردند، نیویورک تایمز خبری با این مضمون منتشر کرد که اسرائیل قصد داشته حملاتی به تأسیسات هسته‌ای ایران داشته باشد اما ترامپ جلوی حمله آن‌ها را گرفته است. او اما در گفت‌وگو با خبرنگاران این بار این طور در مورد حمله نظامی به ایران موضع گرفت و گفت: «در صورت نیاز برای مقابله با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، اقدام نظامی خواهد کرد.» ترامپ در ادامه هم به این موضوع اشاره کرد که اسرائیل رهبری حمله نظامی به ایران را برعهده خواهد داشت. این ادعا نشان می‌داد ترامپ تهدیدهای نظامی علیه ایران را دنبال می‌کند، اما نمی‌خواهد در هزینه آن حضور مستقیم داشته باشد. اشاره او به این موضوع که در صورت تهدید نظامی اسرائیل آن را رهبری خواهد کرد، صراحتاً این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که اگر حمله یا شیطنتی از جانب اسرائیلی‌ها صورت گیرد، در هماهنگی کامل با آمریکایی‌ها خواهد بود و واقع اسرائیلی‌ها به معنی واقعی کلمه نقش نیروی نیابتی را ایفا خواهند کرد و شاید فراتر، در واقع در نقش ارتش ایالات متحده خواهند بود تا ژست‌های صلح‌طلبی ترامپ هم در ظاهر دچار خدشه نشود! این اتفاق نیز از جمله مواردی بود که عدم وجود تناقض بین آمریکا و اسرائیل در موضوع ایران را اثبات می‌کند.

اسرائیلی‌ها بدون اجازه آمریکا آب هم نمی‌خورند

اسرائیلی‌ها بدون اجازه آمریکایی‌ها آب نمی‌خورند. این نه یک تحلیل که یک



سیاست‌مداران آمریکایی هم‌زمان با مطالبه غنی‌سازی صفر از ایران، بمباران اتمی غزه را پیشنهاد دادند

غزه مثل هیروشیما



هم‌زمان با اینکه مقامات آمریکایی از جمله استیو ویتکاف، نماینده ارشد آمریکا در مذاکرات غیرمستقیم با ایران، اظهار می‌کنند که حتی غنی‌سازی در سطح یک درصد نیز برای ایران قابل قبول نیست، زیر این فرایند می‌تواند به ساخت تسلیحات هسته‌ای منجر شود، ایالات متحده با امضای دستورات اجرایی توسط دونالد ترامپ به دنبال تسریع در توسعه صنعت انرژی هسته‌ای خود است. این دستورات، که بر اساس گزارش رویترز، با هدف تسهیل فرایندهای نظارتی برای تأیید راکتورهای جدید و تقویت زنجیره تأمین سوخت هسته‌ای صادر شده‌اند، نشان‌دهنده یک استاندارد دوگانه آشکار در سیاست‌های هسته‌ای غرب است. از سوی دیگر، اظهارات تند مقامات آمریکایی، مانند «رندی فاین» که به صراحت خواستار استفاده از سلاح هسته‌ای علیه غزه با هدف تسلیم کردن آن به‌مانند ژاپن در جنگ جهانی دوم شده و همچنین سکوت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در برابر زرادخانه هسته‌ای رژیم صهیونیستی که حتی عضو نیامتع‌گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) نیست، این تناقض را برجسته‌تر می‌کند. غنی‌سازی هسته‌ای برای ایران نتهباتیک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی است. این فناوری در بعد غیر نظامی، برای رفع ناترازی انرژی، تولید رادیوایز و تقصین خودکفایی ملی حیاتی است. استانداردهای دوگانه غرب نشان‌دهنده تلاش برای حفظ هژمونی هسته‌ای و محدود کردن قدرت‌های نو ظهور است. ایالات متحده از یک سو به دنبال توسعه صنعت هسته‌ای خود است و از سوی دیگر، ایران را از دستیابی به این فناوری محروم می‌کند. رژیم صهیونیستی نیز با وجود داشتن زرادخانه هسته‌ای و عدم تعهد به NPT، نتنها مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان منبعی برای اتهام‌زنی به ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای ایران، ادامه غنی‌سازی هسته‌ای نه تنها حق قانونی در چهارچوب NPT است، بلکه ضرورتی برای حفظ استقلال ملی و توسعه پایدار است.

توسعه هسته‌ای برای آمریکا و محدودیت برای ایران

ایالات متحده تحت رهبری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، با اعلام وضعیت اضطراری انرژی، گام‌های بلندی برای توسعه سریع صنعت انرژی هسته‌ای خود برداشته است. این ابتکار شامل امضای دستورات اجرایی است که هدف آن‌ها تسهیل فرایندهای نظارتی برای تأیید راکتورهای جدید، تقویت زنجیره تأمین سوخت هسته‌ای و استفاده از منابع مالی گسترده برای ساخت تأسیسات هسته‌ای پیشرفته است. این اقدامات در پاسخ به افزایش تقاضای برق در آمریکا، که برای اولین بار در دو دهه اخیر به دلیل رونق هوش مصنوعی و نیاز به مراکز داده عظیم شدت یافته، انجام می‌شود. وزیر انرژی آمریکا، کریس رایت، این تلاش را به «پروژه منتهی ۲۰۰» تشبیه کرده و آن را با برنامه عظیم ایالات متحده در جنگ جهانی دوم برای توسعه بمب اتمی مقایسه کرده است. با این حال، در حالی که آمریکا به دنبال تقویت توانایی‌های هسته‌ای خود در ابعاد غیر نظامی و حتی با القوه نظامی است، این کشور به‌طور هم‌زمان خواستار توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران شده است. استیو ویتکاف، نماینده ارشد آمریکا در مذاکرات غیرمستقیم با ایران، به صراحت اعلام کرده که حتی غنی‌سازی در سطح یک درصد نیز برای ایران قابل قبول نیست، با این استدلال که این فرایند می‌تواند به ساخت تسلیحات هسته‌ای منجر شود. ایالات متحده از یک سو خود را متعهد به توسعه فناوری هسته‌ای برای تأمین نیازهای داخلی و تقویت جایگاه جهانی‌اش می‌داند، اما از سوی دیگر، ایران را از دستیابی به همین فناوری، حتی برای مقاصد صلح‌آمیز، محروم می‌کند. این استاندارد دوگانه تلاشی گسترده برای حفظ هژمونی هسته‌ای غرب و جلوگیری از ظهور قدرت‌های جدید در این حوزه است. اظهارات تند بر خی مقامات آمریکایی، مانند «رندی فاین»، قانونگذار جمهوری‌خواه، این تناقض را برجسته‌تر



پایبندی به NPT جریمه دارد نه جایزه

کشورهای غربی بارها ادعا کرده‌اند که غنی‌سازی هسته‌ای ایران می‌تواند به رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه منجر شود. این استدلال در حالی مطرح می‌شود که رژیم صهیونیستی، به عنوان یک دارنده سلاح هسته‌ای سال‌هاست که زرادخانه هسته‌ای خود را توسعه داده و مطابق ادعای برخی منابع تا ۲۰۰ بمب هسته‌ای در زرادخانه خود دارد. بنابراین اگر رقابتی هسته‌ای در منطقه وجود داشته باشد، این رقابت مدت‌هاست که توسط اسرائیل آغاز شده و ربطی به برنامه هسته‌ای ایران ندارد.

با این حال، غرب با تمرکز بر ایران، تلاشی می‌کند تا توجهات را از برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی منحرف کند. همچنین رژیم صهیونیستی نقش مهمی در شکل‌دهی به روایت‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای ایران ایفا کرده است. ادعاهای نتانیاهو در مورد برنامه هسته‌ای ایران، مانند ماجرای تورقوزآباد، بدون ارائه شواهد معتبر، به عنوان منبای اتهام‌زنی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد استفاده قرار گرفته است. این در حالی است که خود اسرائیل از هرگونه نظارت بین‌المللی معاف است و زرادخانه هسته‌ای آن مورد هیچ‌گونه بازرسی قرار نمی‌گیرد. این استاندارد دوگانه نشان‌دهنده سوءاستفاده از نهادهای بین‌المللی برای پیشبرد منافع سیاسی برخی دولت‌ها است.

این فشار هابعث شده‌اند که ایران در تأمین نیازهای انرژی و پزشکی خود با چالش‌های جدی مواجه‌شود. از سوی دیگر، این محدودیت‌ها به کاهش اعتماد تهران به نهادهای بین‌المللی، مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، منجر شده است. در حالی که ایران به تعهدات خود در چهارچوب NPT پایبند بوده عملاً برای این پایبندی جریمه شده و یک چهارم از کل بازرسی‌های آژانس از کشورهای تأسیسات هسته‌ای ایران صورت گرفته است. در نهایت نیز مدیرکل آژانس همواره با اتخاذ موضعی ضد ایرانی زمینه را برای صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌های ضد ایرانی فراهم آورده است. اخیراً نیز رافائل گروسی در موضعی از زمان اندک برای رسیدن به توافق با آمریکا صحبت کرده بود. این موضع هماهنگ با موضع کشور‌های اروپایی در مورد فعال‌سازی مکانیسم ماشه در مدت باقی‌مانده تا موعد انقضای بندهای غروب برجام اتخاذ شده است. در مقابل رژیم صهیونیستی بابت عدم پیوستن به NPT جایزه در یافت کرده است. این رژیم

واقعیت است. رژیم صهیونیستی حتی برای انجام کوچک‌ترین عملیات‌ها و اقداماتش در غزه و لبنان، در هماهنگی کامل با آمریکایی‌ها پیش می‌رود. از زمان ششروع عملیات ۷ اکتبر تاکنون اسرائیلی‌ها بدون کمک و هدایت آمریکایی‌ها در تمام حوزه‌ها نمی‌توانستند با نیروهای مقاومت مبارزه کنند. البته آمریکایی‌ها برای آنکه تا جای ممکن از هزینه حملات اسرائیل در امان بمانند، این هماهنگی و همراهی را در برخی موارد کتمان می‌کردند. برای مثال در ماجرای حمله پیچرها، علی‌رغم آنکه آمریکایی‌ها مدعی بودند در این حمله نقشی نداشتند، اما یک سایت عبری این موضوع را فاش کرد که وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، ساعتی پیش از شروع این حمله با همتای آمریکایی خود گفت‌وگو کرده است. در جریان تعرضی که اسرائیلی‌ها به برخی از مراکز دفاعی ایران در سال گذشته انجام دادند نیز به‌وضوح ردپای آمریکایی‌ها در این ماجرا دیده می‌شود. ستاد کل نیروهای مسلح ایران در بیانیه‌ای بعد از این تعرض صراحتاً به این موضوع اشاره کرد که صهیونیست‌ها با استفاده از فضایی که در اختیار ارتش آمریکا در یکصد کیلومتری مرز ایران قرار دارد، این تعرض را با موشک‌های دوربرد هواپایه انجام داده‌اند. مجموع این موارد اثبات می‌کند که تناقض میان مواضع آمریکا و اسرائیل در مورد ایران، بیشتر شبیه به یک شوخی تلخ است؛ چراکه منافع این دو در منطقه با یکدیگر پیوند تنگاتنگی دارد.

نیروهای نیابتی آمریکا فقط تندتر از آن‌ها علیه ایران موضع می‌گیرند

رسانه‌ای کردن حضور اسرائیلی‌ها در رم و دیدار آن‌ها پیش از شروع مذاکره با ویتکاف بیشتر با این منظور مطرح می‌شود که اگر اتفاقی در جریان مذاکرات رخ داد، به جهت اعمال نفوذ اسرائیلی‌ها صورت گرفته است. اما این موضوع بیشتر با هدف ارائه تعریف نقشی اثرگذار از اسرائیلی‌ها در مذاکره مطرح می‌شود، ولی در واقعیت ماجرا، علاوه بر آنکه از ابتدا هم تردیدی در همراهی آمریکایی‌ها با صهیونیست‌ها وجود نداشت، تیم مذاکره‌کننده آمریکایی ادعای غنی‌سازی صفر را پیش از این مطرح کرده بود و در واقعیت موضوع جدیدی در اظهارات رسانه‌ای آمریکایی‌ها مطرح نشده است. اما تنها تفاوت و تناقض میان صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها مشخصاً در مورد ایران و حتی موارد دیگر نوع مواجهه و اظهارات رسانه‌ای آنهاست. آمریکایی‌ها برای آنکه از فشارهای بین‌المللی در امان بمانند، مواضع تند خود را با تاکتیک‌های مختلف و به زبانی نرم‌تر مطرح می‌کنند، اما از آنجا که اسرائیلی‌ها دعوی موجودیت داشته و یک درگیری تمام‌عیار با نیروهای مقاومت دارند که برخلاف انتظار نتیجه مورد نظر خود را نگرفتند، صریح‌تر و تندتر علیه ایران موضع می‌گیرند. اما این موضوع به این معنا نیست که در مواضع آمریکا و اسرائیل در مورد ایران اختلاف‌نظر وجود دارد، تنها نکته حائز توجه در این ماجرا این است که صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها در راهبرد مواجهه‌شان با ایران، اختلاف‌نظرهایی دارند.



بدون هیچ‌گونه فشار بین‌المللی زرادخانه هسته‌ای خود را توسعه داده و ادعاهایش در مورد برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس ضریب داده می‌شود.

دوگانه جعلی نفت وهسته‌ای

ایران با چالش جدی ناترازی انرژی، به‌ویژه در بخش تولید برق، مواجه است. در حال حاضر، نیروگاه هسته‌ای بوشهر کمتر از یک درصد از نیاز برق کشور را تأمین می‌کند، در حالی که تقاضای برق به دلیل رشد جمعیت، توسعه صنعتی و افزایش استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، به شدت در حال افزایش است. بر آورد‌ها، ایران برای رفع این ناترازی و دستیابی به توسعه پایدار در حوزه انرژی، نیاز به تولید حداقل ۲۰ هزار مگاوات برق از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای دارد. غنی‌سازی داخلی اورانیوم برای تأمین سوخت این نیروگاه‌ها امری حیاتی است، زیرا وابستگی به کشورهای خارجی برای تأمین سوخت، همان‌طور که تجربه تأخیرهای روسیه در تکمیل نیروگاه بوشهر نشان داده، مخاطرات سیاسی و اقتصادی فراوانی به همراه دارد. انرژی هسته‌ای به‌عنوان منبعی پاک و پایدار، توانایی کاهش وابستگی ایران به سوخت‌های فسیلی را دارد. سوخت‌های فسیلی، علاوه بر آلودگی زیست‌محیطی، با محدودیت منابع و نوسانات قیمت در بازارهای جهانی مواجه هستند. در مقابل، انرژی هسته‌ای با تولید تقریباً بدون انتشار کربن، می‌تواند به کاهش آلودگی هوا و تحقق اهداف زیست‌محیطی ایران کمک‌کند. بنابراین انرژی هسته‌ای گریزناهی مقرون به‌صرفه و کارآمد محسوب می‌شود که ترامپ با این استدلال که ایران نفت دارد سعی دارد کشور مان را از این ظرفیت محروم کند که اگر چنین استدلالی درست باشد آمریکانیز با تولید روزانه بیش از ۱۲ میلیون بشکه نفت بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان بوده، بنابراین باید به دلیل داشتن منابع نفتی از توسعه صنایع هسته‌ای خود صرف‌نظر کند.

وابستگی حیات بیش از یک میلیون بیمار ایرانی به غنی‌سازی

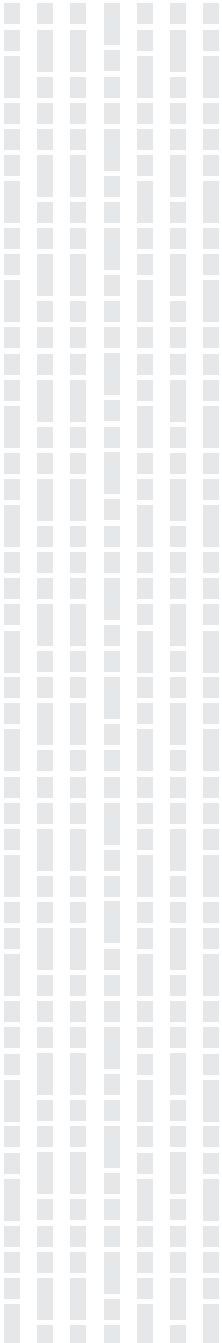
یکی از مهم‌ترین کاربردهای غیر نظامی غنی‌سازی هسته‌ای، تولید رادیوایز برای تشخیص و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج مانند سرطان است. راکتور تحقیقاتی تهران، که به غنی‌سازی اورانیوم در سطح ۲۰ درصد وابسته است، سالانه برای بیش از یک میلیون بیمار رادیوایز تولید می‌کند. توقف غنی‌سازی در این سطح، به معنای توقف تولید این دارو‌ها و به‌خطر افتادن جان بیماران است. تجربه تاریخی نشان داده که کشور‌های غربی، حتی در شرایطی که ایران به سوخت ۲۰ درصد برای راکتور تهران نیاز داشته‌ست، از تأمین آن خودداری کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت خودکفایی در غنی‌سازی برای تأمین نیازهای پزشکی کشور است. علاوه بر این، فناوری هسته‌ای در زمینه‌های دیگر مانند تصویربرداری پزشکی، درمان‌های پرتویی و تحقیقات علمی نقش کلیدی دارد.

خودکفایی و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی

تجربه تاریخی نشان داده که وابستگی به کشور‌های خارجی برای تأمین سوخت هسته‌ای یا فناوری‌های مرتبط، ایران را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد. تأخیرهای مکرر در تکمیل نیروگاه بوشهر و خودداری کشور‌های غربی از تأمین سوخت برای راکتور تهران، نمونه‌های روشنی از این مخاطرات هستند. غنی‌سازی داخلی، نه تنها تضمین‌کننده خودکفایی در تأمین سوخت هسته‌ای است، بلکه به ایران امکان می‌دهد تا در برابر فشارهای سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی مقاومت کند. این خودکفایی به معنای حفظ استقلال ملی و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی است که در شرایط کنونی جهان، برای کشور‌ی مانند ایران حیاتی است.

فرهنگ‌نخستان

فرهنگ‌نخستان



فرهنگ‌نخستان